

عوامل موثر فضاهای شهری در راستای اجتماع پذیری با رویکرد ارتقاء تعاملات اجتماعی زنان^۱

راحله پروین،: دانشجوی کارشناسی ارشد رشته معماری دانشگاه آزاد واحد ارومیه، ایران
raheleh.parvin2015@gmail.com

چکیده

فضای شهری اجتماع پذیر و سرزنده عبارت است از یک فضای شهری که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن‌ها به لحاظ سن و جنس در گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت‌هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می‌یابد به چشم می‌خورد. وجود فضاهای اجتماع پذیری که به ایجاد آرامش، سرگرمی، فراهم آوردن ارتباط، زمینه معاشرت و امکان تردد در شکل‌گیری آن‌ها توجه شود، از ویژگی‌های مطلوبیت شهر به حساب می‌آید. به هر میزان که شهرها بتوانند محیط‌های عمومی مطلوب‌تری برای ساکنان شهرها ایجاد کنند تا تعامل‌های اجتماعی بهتری در آن صورت بگیرد، به همان میزان شهر از کیفیت بالاتری در شهرنشینی و سلامت روان ساکنین آن برخوردار خواهد شد. در حقیقت برای دستیابی به الگویی به منظور تثبیت تداوم حضور اقشار گوناگون مردم در فضاهای شهری می‌بایست مخاطبان و نیازهایشان را شناخت. در این بین به نظر می‌رسد زنان، از جمله گروه‌هایی باشند که نیازشان به حضور در عرصه‌های عمومی شهری و برقراری تعاملات متعارف اجتماعی، بیش از سایر گروه‌ها نادیده گرفته شده‌است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، با بررسی مبانی نظری مرتبط با نیازها و انتظارات زنان از یک فضای شهری مطلوب در جهت بررسی عوامل موثر فضاهای شهری در راستای اجتماع پذیری و ارتقاء تعاملات اجتماعی زنان به مطالعه نیازها و میزان استفاده زنان از فضای شهری می‌پردازد. در نهایت نتایج تحقیق گویای آن است که با توجه به دید جزنگر زنان نسبت به محیط، حضور پررنگ و مداوم آنان در یک فضای شهری، گویای کیفیت آن فضا است و پنج عامل مهم امنیت، دسترسی، نظم فضایی و کالبدی، اختلاط کاربری و در نهایت سرزندگی اجتماعی، نقش مهمی در انتخاب فضای عمومی شهری توسط زنان، حضور و استفاده آنان از فضای عمومی ایفا می‌کند.

کلمات کلیدی: فضاهای شهری، اجتماع پذیری، نیازهای زنان، کیفیت فضا، تعاملات اجتماعی.

^۱ این پژوهش از پایان نامه کارشناسی ارشد معماری با موضوع "طراحی کالبدی فضای شهری با رویکرد ارتقاء حضورپذیری زنان (نمونه موردی خیابان امام ۲ شهر ارومیه)" در تاریخ تیر ۹۸ استخراج شده است.

۱. مقدمه

استفاده از واژه‌های اجتماع پذیر و اجتماع گریز بیانگر فضایی است که مردم را دور هم «جمع می آورند» یا از هم «دور می کنند». این واژه‌ها را همفبری اسموند (۱۹۶۶)، در زمان مدیریت بیمارستان ساسکاچوان کانادا تعریف کرد. ایجاد فضاهای عمومی اجتماع پذیر به عنوان محل تعاملات اجتماعی در راستای معاشرت پذیری شهروندان همواره مورد توجه بوده است. در شهر همواره نیاز به فضایی برای برقراری روابط اجتماعی مطرح بوده، ایجاد فضاهایی که از نظر اجتماعی فعال بوده و امکان ارتباطات چهره به چهره انسانی را، در کالبد سازمان یافته فراهم کند، در حالی که به دلایل مختلف از جمله روابط چهره به چهره موجب جدایی گزینی زنان از فضاهای شهری، نادیده انگاری ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و هویتی نهفته در اجتماع پذیری شهروندان گردیده است. ایجاد فضاهایی که در دسترس عموم بوده و بتواند پاسخگوی نیازهای افراد جامعه باشد. تلاش برای ارتقاء حضورپذیری زنان در قالب ایجاد فضاهای شهری نمود پیدا کرده است در صورتیکه روابط چهره به چهره موجب اجتماع گریزی زنان نشود. بطور خلاصه می‌توان ضرورت پرداختن به عوامل اجتماع پذیری و اجتماع گریزی زنان از فضاهای عمومی را در مقوله‌های زیر بیان کرد:

- ارتقاء تعاملات اجتماعی زنان
- ارتقاء حس تعلق زنان به شهر
- تحکیم نقش فضاهای شهری در حضور فعال زنان
- تامین امنیت روانی و عاطفی زنان در فضاهای عمومی.

۲. اهمیت و ضرورت

از آنجا که هیچ جنبه‌ای از زندگی کاملاً زنانه یا مردانه نیست، جهانی که در آن جدایی جنسی به افراط گراید، باعث تحریف واقعیت و تحکیم و دوام این تحریف می‌شود (کریستوفر الکساندر، ۱۳۷۸، ۱۰۵). بنابراین تازمانی که هر اجتماع عضوهای خود را با مدل‌های جنسیتی بپذیرد، در حقیقت جنسیت در مقابل بسیاری از مدل‌های مذکر/مونث به عنوان قسمتی از روند زندگی، با آن مغایرت دارد (Cuthbert, 2006: 128). فضای شهری صحنه‌ای است که نقش جنسیت در آن حک شده، تدوین شده و نیز شکافته شده در واقع فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود. به تعبیر گاتمن محیط مصنوع یک سخت افزار است که در درون آن، نظام اجتماعی به مثابه یک نرم افزار عمل می‌کند (مدنی پور، ۱۳۷۹: ۴۸). لذا در طراحی فضاهای شهری توجه صرف به ایجاد تعادل بین فضاهای پر و خالی در بافت شهری، نیازهای فضایی جامعه را مرتفع نمی‌کند، بلکه اهمیت به ابعاد اجتماعی و عملکردی آن ضرورت ویژه‌ای دارد. طراحی و آرایش فضاهای شهری، تقسیم جنسی کار را تقویت می‌کند. واژه شهر «دست ساز بشر» حاکی از آن است که ساختار اجتماعی فضای شهری با سمت گیری جنسیتی طراحی شده است. به طوری که (الیزابت ویلسون ۱۹۹۱)، خواسته‌های مردانه برای کنترل اختلال و بی‌نظمی، و به خصوص نیاز مردان برای کنترل «موقعیت» زنان را دلایل طراحی غیر منصفانه شهرها می‌داند (Rennie Short, 2006: 128). لذا ایجاد فضاهای شهری مناسب و پاسخگو به نیازهای زنان، چگونگی و میزان فرصت‌های استفاده از فضاهای شهری موجود و حضور پررنگ‌تر آن‌ها در فضای شهری اهمیت می‌یابد. تا بتوان با هدف خلق فضاهای عمومی مناسب، در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی زنان و ایجاد بستری مناسب برای زندگی فعال شهری عمل کند که در آن زن و مرد فارغ از جنسیت به عنوان یک فرد در جامعه انسانی بتوانند فرصت‌های مساوی در استفاده از فضای عمومی شهری را بدست آورند.

۳. پیشینه تحقیق

حوزه‌ی شهری و فضاهای عمومی عرصه‌هایی است که نابرابری و تبعیض جنسیتی در آن دیده می‌شود، به گونه‌ای که ادعا می‌شود زنان و مردان فضاهای شهری را به صورت‌های متفاوتی تجربه می‌کنند و به عبارت دیگر زنان به طور یکسان با مردان از فضاهای شهری بهره‌مند نمی‌شوند و به زعم برخی مفسرین شهری «شهرها محصول برنامه‌ریزی‌های شهری مردانه است و شهرسازی مدرن در ماهیت خود خصلتی پدرسالارانه دارد، گویا شهرسازی مدرن از ارزش‌ها و هنجارهای مردانه تبعیت می‌کند (مهدیزاده، جواد، ۱۳۸۷، ۲۰۲). گلی و همکاران در تحقیقی با عنوان «سنجش رضایتمندی از تفکیک جنسیتی فضاهای عمومی شهری از دیدگاه کاربران مطالعه موردی: پارک بانوان شمس تبریز به این نتیجه دست یافت که توجه به جایگاه زنان در جوامع کنونی و محدودیت‌ها شاخصه‌ها را تا حدودی پررنگ‌تر نموده تا احساس امنیت محیطی در بخش‌های مختلف فضاهای شهری به ویژه پارک‌ها و فضاهای گردشگری در ساعات مختلف شبانه روز برای زنان فراهم شود (گلی، علی و همکاران، ۱۳۹۲). زین العابدین در تحقیق خود با عنوان «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت» به دست آورد که میزان اثرگذاری مسائل اجتماعی - فرهنگی بر امنیت شهروندی در شهر رشت بیش از مسائل اقتصادی - سیاسی است (زین العابدین، یوسف و همکاران، ۱۳۹۱).

۴. بررسی عوامل محدود کننده حضور زنان در فضاهای شهری

فضای شهری بستری است که فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی در آن شکل می‌گیرد و روابط اجتماعی و فرهنگی انسان‌ها با یکدیگر در این عرصه اتفاق می‌افتد. انجام فعالیت‌های گوناگون که در این عرصه‌ها اتفاق می‌افتد باید برای تمام گروه‌ها فارغ از سن، جنس، نژاد و... فراهم گردد. هرچند درک و تجربه گروه‌های مختلف در محیط متفاوت از یکدیگر است. عوامل متعددی زنان را در فضاهای شهری محدود می‌کنند، عوامل کالبدی و طراحی فضاها و هنجارهای غالب اجتماعی و فرهنگی از این دست عوامل هستند. قلمروهای متفاوتی که برای زنان و مردان متصور می‌شود، و در عین حال ساخت شهرها که بوسیله مردان صورت می‌گرفت و بدین ترتیب نیازهای مرد متوسط را مورد توجه قرار می‌داد به خلق فضاهای جنسیتی منجر شد. «آنچه که کارپ، استن و یولز» ماهیت جنسی شده فضای شهری می‌نامند را می‌توان در نحوه‌ی عمل فضای شهری برای محدود کردن تحرک پذیری زنان مشاهده کرد، که این محدودیت را به لحاظ فیزیکی با الفا الکوهای حرکت و رفتار بر پایه ترس و دسترسی محدود شده اعمال می‌کند و به لحاظ اجتماعی با انگاره‌هایی درباره نقش زنان در جامعه شهری (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۴). آزادی زنان در شهر به روش‌های متعددی محدود می‌شود، که موانعی را بر سر تحرک و جنب و جوش آنها در شهر پدید می‌آورد. محدودیت ساختاری حاصل از گسترش مناطق حومه شهری زنان را وادار می‌کند از مراکز فعالیت به دور بمانند و فرصت‌هایشان کاهش یابد، به‌ویژه به دلیل وابستگی شدیدی که زنان به وسایل حمل و نقل عمومی دارند. جدا شدن خانه از کار، در فرآیند صنعتی شدن و به حومه راندن زندگی شهری هر روز بیشتر از پیش زنان را از تحرک اجتماعی و مکانی باز می‌دارد. حومه‌های برنامه‌ریزی شده و نو شهرهای قرن بیستم که خانوارهایی را که هر روز فزون‌تر می‌شود را در خود جای داده است، موانعی مکانی برای زنان پدید آورده است،

مخصوصاً زنان طبقه متوسط که بنا به فرض باید خانه دار باقی‌مانند. به هر حال خدمت بزرگ به کیفیت زندگی شهری اغلب اوقات به درستی شناخته نشده است و از آنجا که به شکل کار مزد پرداختی نبوده است کاری نامشهود باقی‌مانده است (کارپ، استن و یولز، ۱۹۹۱). بدین ترتیب موارد متعددی به در قالب‌های فیزیکی، اجتماعی، روانی، مکانی و... آزادی حرکت و حضور زنان در فضاهای شهری را محدود می‌نماید (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۶). یکی دیگر از عوامل محدود کننده زنان، دسترسی نامناسب در شهر، به فضاهای شهری است. زنان هم به عنوان خرید و فعالیت‌های اجباری و هم برای ملاقات‌های اجتماعی و فعالیت‌های داوطلبانه بیشترین استفاده کنندگان از مراکز شهری‌اند. با این حال عمده تاکید در طراحی این مناطق بر پارکینگ اتومبیل است تا وسایل نقلیه عمومی یا مراکز نگهداری از کودکان، زمین بازی و ... که برای زنان مسائل بزرگی هستند. درمیان عوامل محدودکننده زنان برای حضور در فضای شهری، موارد دیگری مانند زمان محدود، هنجارهای اجتماعی، فرهنگی، ناامنی، استرس، تنش و ... نیز بر محدودیت‌های زنان تاثیرگذارند.

۵. کنترل تعاملات اجتماعی

برای ایجاد تعامل ابتدا شهر باید پذیرای مردم باشد، زیرا حضور و فعالیت مردم در فضا به خودی خود ایجاد تعامل میکند. آنچه در تعاملات اجتماعی حائز اهمیت میباشد ماندن در فضای شهری است. نوع فعالیت و هدف مردم در ماندن در یک فضا کیفیت ارتباط را نشان میدهد. برای ارتقاء شرکت زنان در این تعاملات که در این پژوهش مورد بررسی قرارگرفت تعاملات چهره به چهره میباشد. برای بررسی عوامل گریز زنان از این تعاملات، مقوله امنیت روانی یکی از عوامل تاثیرگذار محسوب میشود. نوع نگرش زنان به تعامل چهره به چهره و نوع تفکر حاکم بر جامعه در حضور زنان در تعاملات اجتماعی می‌تواند در اجتماع گریزی زنان موثر باشد. به اختصار عوامل دیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱-۵- سطح سواد

یکی از مسائل و مشکلات زنان در جوامع، عدم بهره‌مند بودن از تخصص و مهارت‌های لازم و سطح سواد مورد نیاز است. زنی که به لحاظ عدم تخصص و تحصیلات لازم از مسؤولیت‌های انسانی‌اش تهی می‌گردد، حتی امکان لازم و کافی بروز غرائز طبیعی مثبت و منفی را هم نخواهد داشت. چه رسد به اینکه در جامعه بخواهد اعتلا و رشد یابد.

۲-۵- عدم خودباوری و اعتماد

یکی از مقوله‌هایی که گریبان گیر زنان جوامع از جمله زنان جامعه ایران است، عدم خودباوری و اعتماد به نفس در مقابل مسؤولیت‌های اجتماعی و بیرون از خانه است. از دیرباز باور ساخته شدن زن برای امور خانه نه حضور در اجتماع بر جامعه حاکم میباشد، هرچند امروزه بسیاری از افراد جامعه موافق این موضوع نمی‌باشند اما این باور در اذهان عمومی رخنه نموده که زنان در جامعه امنیت کافی ندارند و این امر عدم حس تعلق به فضای شهری را برای زنان ایجاد میکند و زنان ترس از وقوع اتفاقی ناخوشایند را در خارج از خانه دارند، این مسئله موجب صلب اعتماد به نفس در زنان شدخ و از حضور آنان در جامعه جلوگیری می‌نماید.

۳-۵- مردسالاری

در اکثر جوامع، نهاد خانواده به صورت مردسالاری اداره می‌شود. حال این مرد ممکن است همان پدر خانواده باشد و بعد از آن در صورت از کار افتادگی پدر یا فوت او به وسیله پسر ارشد؛ اما اینکه مردسالاری به عنوان یک مانع در سر راه رشد و تعالی زنان و دختران خواهد بود. طراحی فضاهای شهری بصورت مرد سالارانه نیز از موانع حضور و فعالیت زنان در شهر میباشد بطوری که فضاهای شهری خاصی برای حفظ امنیت زنان طراحی نشده، وجود میلمان شهری مناسب زنان و طراحی پیاده رویایی متناسب با حرکت راحت‌تر زنان می‌تواند در ارتقاء حضور زنان و شرکت در تعاملات اجتماعی موثر باشد.

۴-۵- فرهنگ و باورهای شایع

ارزش‌های شایع در هر جامعه و پایبند بودن به آن‌ها در جامعه از دیدگاه افراد آن جامعه اهمیت فراوانی دارد. به طوری که افراد جامعه برای تعاملات چهره به چهره قوانین نانوشته وضع نموده‌اند که نقض آن موجب ترد شدن از سمت مردم و جامعه می‌باشد. ترس ناشی از نوع نگرش و باورهای نادرست و خود ساخته مرم که به صورت فرهنگ بروز داده می‌شود، سبب اجتماع گریزی زنان میگردد.

۶. نیازهای زنان در فضای شهری و عوامل موثر بر آن

از آنجا که جنسیت، به خودی خود یک موضوع اجتماعی_ روانشناختی است، به نظر می‌رسد برخی از ابعاد کیفی طراحی شهری در ارتباط با آن، باید بیشتر مورد توجه قرارگیرد. از جمله می‌توان به ابعاد نیازهای انسان در فضای شهری اشاره کرد. این اعتقاد وجود دارد که بدون توجه به این نیازها، فضا می‌تواند صدمات فیزیولوژی و روانی به انسان وارد کند (فرانک فرانسه ۱۳۸۶، ۳). آبراهام مازلو، روانشناس انسان گرای معاصر، فارغ از جنسیت نیازهای انسان را به پنج گروه تقسیم می‌کند که تشکیل یک سلسله مراتب می‌دهد. این نیازها از لحاظ اهمیت به ترتیب زیر می‌باشد:

- نیازهای فیزیولوژیکی؛ شامل نیاز به غذا، آب، هوا، خواب و جنس مخالف
- نیازهای ایمنی؛ شامل نیاز به امنیت، ثبات، نظم و رهایی از ترس و اضطراب
- نیازهای عشق و تعلق؛ که از طریق ارتباط شخصی با دیگر مردمان برآورده می‌شود (تعاملات اجتماعی)
- نیازهای حرمت؛ شامل نیاز به عزت نفس و احترام از سوی خود و دیگران

نکته دیگر این که انسان در یک زمان به وسیله همه نیازها به پیش رانده نمی‌شود. در یک زمان تنها یک نیاز غالب است. این که کدام نیاز باشد، بستگی به این دارد که کدام یک یا کدام دسته از نیازهای دیگر قبلاً ارضا شده باشند (کریمی، ۱۳۷۴: ۱۵۶). اما هر انسان بسته به جنس، نژاد، طبقه اجتماعی، شرایط محیطی، فرهنگ، عوامل اقتصادی و ... بخش و میزان متفاوتی از این سلسله مراتب برایش اهمیت بیشتری خواهد داشت. از جمله این نیازها، دغدغه‌ها و مسائلی است که برای گروه اجتماعی زنان در برخورد با عرصه عمومی در زندگی روزمره وجود دارد. زنان به دلیل ظرافت و قدرت جسمی کمتری که نسبت به مردها دارند، آسیب‌پذیرتر هستند و بیشتر از سوی محیط (فیزیکی و اجتماعی) مورد تهدید واقع می‌شوند. بدین ترتیب فضای شهری آن هیجانی را که برای مردان دارد، برای زنان ندارد و حتی می‌تواند جایی باشد ترسناک‌تر و بیگانه‌تر، و به این دلیل است که الیزابت ویلسون (۱۹۹۱) با نارضایتی به ما خاطر نشان می‌سازد که "بسیاری از نویسندگان

فمنیست، ضد شهر هستند (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۴). "زنان غالباً هنگامی که در محیط شهری قرار می‌گیرند، بیم این را دارند که در موقعیت دزدی یا آزار بدنی قرار گیرند و آن احساس آرامشی را که لازم است ندارند. (Day, 1994; Haskell & Randall, 1998/1999; Keane, 1998; Pain, 1991; Valentine, 1989)

به این ترتیب به نظر می‌آید اساسی‌ترین نیاز این گروه از جامعه "امنیت" است؛ البته این بدان معنا نیست که سایر اعضای جامعه به این مقوله بی‌نیاز هستند، بلکه اهمیت این موضوع برای زنان به عنوان پشتوانه‌ای برای حضور در اجتماع به شمار می‌رود (بیسادی، ۱۳۸۷). بدیهی است که در سلسله مراتب نیازها، مرتبه دوم از نیازها که به ایمنی و امنیت توجه دارد برای زنان به نسبت مردان، اهمیت بیشتری دارد. بدین معنی که در این سطح از نیازها زن و مرد مشترک هستند اما میزان برآورده شدن این نیاز برای زنان از اهمیت و ضرورت بیشتری برخوردار است. پس می‌توان گفت که زنان و مردان در ترتیب برآورده شدن نیازها یکسان بوده اما میزان و سطح ارضای نیاز برای این دو گروه متفاوت است.

در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیاز به برقراری تعاملات اجتماعی، در مرتبه سوم و تحت عنوان "نیازهای تعلق داشتن و عشق" مطرح شده است. این مرتبه را می‌توان اولین مرحله از نیازهای سطح بالاتر انسان تلقی کرد که به نوعی پایه و اساس نیازهای عالی انسان به شمار می‌رود. در این مرحله شخص به شدت غیاب دوستان، همسر یا فرزندان را احساس می‌کند و علاقه‌مند به برقراری روابط با مردم و داشتن جایگاهی در گروه یا خانواده‌اش خواهد بود، و برای زنان به دلیل عواملی نظیر اخلاق مراقبتی و احساس مسئولیت در قبال خانه و فرزندان اهمیت این نیاز دو چندان می‌شود. لذا نیاز به محیط اجتماعی از یک طرف و تهدیدهای ناشی از آن از طرف دیگر نیاز زنان به حضور در فضاهای شهری است تا در عین حال که امکان تطابق با وضعیت کلی اجتماع را دارا باشد، می‌باید خصیصه‌های لازم جهت پوشش دادن نیازهای گروه‌های خاص جنسی، سنی، جسمانی، و... را نیز داشته باشد.

۷. ویژگی فضاهای اجتماع پذیری

وجود دانه‌بندی‌های متفاوت در فضا و بناها با مقیاس‌های متفاوت باعث ایجاد اختلاط اجتماعی در محیط شده و حس همکاری و تعاون را در زنان افزایش می‌دهد و آن‌ها را به حضور در فضاهای شهری تشویق می‌کند. حضور مکان‌های تعامل اجتماعی مانند ایستگاه‌های اتوبوس مخصوص زنان همراه با فضای سبز، مبلمان مناسب، نورپردازی مناسب به حضور بیشتر و تعاملات اجتماعی آنان کمک می‌کند. طراحی فضا و مبلمان مناسب سالخوردگان و ناتوانان جسمی در فضای شهری که باعث همدلی و تیمارداری زنان نسبت به آنان می‌شود به حضور زنان در آن فضا کمک می‌کند. کانون‌های تفریح و سرگرمی باید با مجهز شدن به امکانات مرتبط با نگه داری کودکان، نیازهای خاص زنان در این فضاها مد نظر قرار دهند تا حضور هرچه بیشتر زنان در این مکان‌ها را تقویت کنند.

- در شکلهای فرم کالبدی، ایجاد فضاهای شهری که امکان تعامل اجتماعی در مقیاس محله را برای زنان فراهم می‌کنند، باید مدنظر قرار گیرد. - تعبیه‌ی قرارگاه‌های پلیس و چشم دیده‌بان محله یا فضای شهری در ساعات مختلف شبانه روز، فضای شهری را برای حضور زنان مطمئن‌تر می‌سازد. - افزایش ساعات کار حمل و نقل عمومی، همراه با تعبیه ایستگاه‌های ایمن برای حضور زنان به افزایش ساعات حضور زنان در فضای شهری کمک می‌کند .

- به کارگیری تهییدات روشنایی و استفاده از نورپردازی مناسب در فضاهای شهری میل به حضور و فعالیت زنان را تا ساعات بیشتری در شب افزایش می‌دهد. استفاده از عوامل مختلف مانند رنگ‌های مختلف، بوها، مصالح مختلف و اجزا و عناصر مختلف برای افزایش مدت استفاده و ترقیب به فعالیت‌های جمعی در زنان توصیه می‌شود .

- زندگی خیابانی با فعالیت‌های فعال تا پاسی از شب به حضور زنان در فضای شهری کمک می‌کند .

- نمای جداره‌های فضاهای شهری، جداره‌هایی فعال با امکان نظارت عمومی بر عرصه همگانی باشند.

زنان، معمولاً گروه جمعیتی مسلط در واحدهای همسایگی هستند و ساعات زیادی را می‌گذرانند، لذا ارتقای کیفیت عرصه عمومی حوزه‌های همجوار واحدهای مسکونی باید در طراحی مورد توجه قرار گیرند.

۸. نتیجه‌گیری

پذیرش این دیدگاه که زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان باید بهره‌مند از حقوق شهروندی به عنوان شهروند کامل باشند و از طرفی دیگر وجود سه عامل مهم تحصیل، تغییر الگوی مصرف و سبک زندگی و اشتغال در دهه‌های اخیر سبب ورود بیشتر زنان ایرانی به مکان‌های عمومی و فضاهای شهری گردیده است، بنابراین ارتقاء تعاملات اجتماعی و اجتماع پذیری زنان در فضاهای عمومی شهری مسئله مهمی به شمار می‌رود، و این مهم در صورتی محقق خواهد شد که شهر هر چه بیشتر به نیازها و انتظارات زنان از یک فضای شهری مطلوب که حضور و استفاده زنان از آن فضاها نشانگر کیفیت فضا است پاسخ گوید. ارتقاء کیفیت فضای شهری برای تعامل و حضور امن زنان در این فضاها، از طریق طراحی عرصه‌های عمومی منطبق با الگوی خاص رفتاری و فعالیت زنان در فضا، انعطاف‌پذیری طراحی و توسعه محیط مصنوع در جهت رفع تعداد بیشتری از نیازهای زنان و همچنین تأمین خدمات (تفریح و سرگرمی) صورت می‌پذیرد. همچنین ارتقاء حضور اجتماعی زنان در فضاهای عمومی از طریق تقویت حس مشارکت و حضور زنان در تمامی مراحي پروسه طراحی و تصمیم‌گیری و ارتقاء آگاهی و آموزش زنان صورت می‌پذیرد. این مهم می‌تواند راه‌گشا و افق پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

مراجع

۱. الکساندر، کریستوفر. زبان الگو، ترجمه: رضا کربلایی نوری، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، ۱۳۸۷.
۲. مدنی پور، علی، "طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیندهای اجتماعی - مکانی"، ترجمه: فرهاد مرتضایی- تهران ۱۳۷۹. صص: ۱۲۴-۱۲۶ و ۴۸.
۳. مهدیزاده، جواد، در جست و جوی شهرهای انسانی تر، مجله جستارهای شهرسازی، سال هفتم، شماره (۱۳۸۷) ۲۵-۲۴.
۴. گلی، علی، شاهرخ زاد ولی خواجه و فاطمه زادولی. «ارزیابی نگرش جنسیتی در طراحی فضاهای شهری (مطالعه ی موردی: پارک بانوان شمس تبریز)، (زن در توسعه و سیاست، ش ۲، ۱۳۹۲).
۵. زین العابدین، یوسف، رضوان نظری و ابوطالب ارکمی احمدی. «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر امنیت شهروندی در شهر رشت»، پژوهش های انتظام اجتماعی، سال ۴، ش ۲، (تابستان ۱۳۹۱).
۶. مازلو، آبراهام اچ، "انگیزش و شخصیت"، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، موسسه چاپ و انتشار آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵.
۷. بیسادی، مونا، "فضاهای جمعی مطلوب برای زنان". ۱۳۸۷. همایش زنان معمار ایرانی.
8. Cuthbert, A. 2006. The Form of Cities – Political Economy and Urban Design. Oxford:.
9. Day, 1994; Haskell & Randall, 1998/1999; Keane, 1998; Pain, 1991; Valentine, 1989